

نامه پولس رسول به فلیمون

نکاتی چند درباره نامه به فلیمون

فلیمون مسیحی سرشناس در کلیسای شهر کولسی بود. برده فراری او اونیسیموس با پولس که در این زمان در روم به زندان بود، آشنا می‌گردد و به مسیح ایمان می‌آورد. پولس اونیسیموس را با این نامه به نزد ارباب خود می‌فرستد و از او استدعا دارد که برده فراری خود را ببخشد و او را دیگر نه چون برده، بلکه چون برادر مسیحی بپذیرد.

تقسیم‌بندی کلی

- مقدمه (۱-۳)
- شکرگزاری برای فلیمون (۴-۷)
- درخواست پولس در خصوص اونیسیموس (۸-۲۱)
- بخش پایانی (۲۳-۲۵)



سلامها

^{۱۲} او را که جان من است، نزد تو باز می‌فرستم.
^{۱۳} شاد می‌شدم که او را نزد خود نگاه می‌داشتم
تا در مدتی که برای انجیل زندانی هستم، مرا به
عوض تو خدمت کند. ^{۱۴} اما نخواستم کاری بدون
رضایت تو کرده باشم، تا نیکویی تو از روی اجبار
نباشد، بلکه از روی میل. ^{۱۵} زیرا که شاید به این
دلیل مدتی از تو جدا شد تا برای همیشه نزدت
برگردد. ^{۱۶} اما دیگر نه چون غلام، بلکه بالاتر از
آن، چون برادری عزیز، بخصوص مرا، اما تو را به
مراتب بیشتر، هم در جسم و هم در خداوند.

^{۱۷} پس اگر مرا رفیق خود می‌دانی، او را
همان‌گونه بپذیر که مرا می‌پذیری. ^{۱۸} اگر خطایی
به تو کرده، یا چیزی به تو بدهکار است، آن را به
حساب من بگذار. ^{۱۹} من، پولس، این را به دست
خود می‌نویسم: من آن را جبران خواهم کرد -
نیازی به گفتن نیست که تو جان خود را نیز به من
مدیونی. ^{۲۰} آری ای برادر، می‌خواهم در خداوند
نفعی از تو به من برسد؛ پس جان مرا در مسیح
تازه ساز. ^{۲۱} این را می‌نویسم چون از اطاعت تو
اطمینان دارم و می‌دانم حتی بیش از آنچه می‌گویم،
خواهی کرد.

^{۲۲} در ضمن، اتاقی برایم مهیا کن، زیرا امید دارم
به سبب دعاهايتان به شما بخشیده شوم.

سلامهای پایانی

^{۲۳} ایافراس، همزندان من در مسیح عیسی، تو
را سلام می‌فرستد. ^{۲۴} همچنین همکارانم، مرقس،
آریستارخوس، دیماس و لوقا تو را سلام می‌گویند.
^{۲۵} فیض خداوند عیسی مسیح با روح شما باد.

پولس، زندانی مسیح عیسی، و تیموتائوس،
برادر ما،

به فیلمون عزیز و همکار ما ^۲ به خواهر ما
آپفیا و همزم ما آرخیپوس، و به کلیسای که در
خانه‌ات می‌باشد:

^۳ فیض و سلامتی از جانب خدا، پدر ما، و
خداوند عیسی مسیح بر شما باد.

محبت و ایمان فیلمون

^۴ خدای خود را شکر می‌کنم و همواره تو را در
دعاهایم به یاد می‌آورم، ^۵ زیرا وصف ایمانت را به
خداوند عیسی و محبتی را که به همه مقدسین
داری، می‌شنوم. ^۶ و دعا می‌کنم که آنچه را که
بر اساس ایمانت با دیگران شریک می‌شوی، مؤثر
باشد در شناخت کامل هر نیکویی که در ما به
سبب مسیح است. ^۷ زیرا محبت تو مرا بسیار
شاد و دلگرم کرده است، چرا که ای برادر، دلهای
مقدسین از تو طراوت و تازگی یافته است.

استدعای پولس دربارهٔ اونیسیموس

^۸ از این رو، هرچند در مسیح این جرئت را
دارم که تو را به انجام آنچه ضروری است، حکم
کنم، ^۹ لیکن به سبب محبت ترجیح می‌دهم که
استدعا کنم. من، پولس، مرد پیر و اکنون به خاطر
مسیح عیسی زندانی، ^{۱۰} از تو استدعایی دارم درباره
فرزندم اونیسیموس که در زندان او را پدر شدم.
^{۱۱} او در گذشته برای تو بی‌فایده بود، اما اکنون
به راستی که تو را و مرا مفید است.